

بیش از بقیه لیبرالها توهم کارگران را برمی انگیزد . و بطور کلی گر-
ایش توده کارگران به کارگران پیشرو و نیز نیروهای انقلابی رو به
نزاید است .

در چنین شرایطی است که جنگ ارتجاعی و فلاکت بار بین
سرمایه‌داران ایران و عراق فرا میرسد .

www.KetabFarsi.com

ب - روند جنبش کارگری پس از آغاز جنگ

جنبش کارگری که در اواخر تابستان بعد از يك پروسه افت نسبی سیر صعودی را آغاز کرده بود، با شروع جنگ دچار افت گردید. هر چند که جرقه‌هایی از مبارزات کارگران بطور پراکنده در ابعاد مختلف در تعدادی از کارخانجات تداوم داشت.

در اولین روزهای جنگ توده کارگران را احساسات شوونیستی فرا گرفت. شدت این احساسات آمیخته با تعصبات مذهبی آنچنان بالا بود که تمامی فضای کارخانجات را متاثر ساخته بود. دستگاہهای تبلیغاتی بورژوازی از رادیو و تلویزیون گرفته تا تمامی نشریات بورژوازی با حرارت تمام از دفاع از صیہن سخن می‌گفتند. موج صیہن پرستی بورژوازی تا حدودی کارگران را فراگرفت. توده کارگران بنحوی - سابقه‌ای تحت تاثیر ایده‌های جاری بورژوازی قرار گرفتند. در کنار تبلیغات بورژوازی اپورتونیسم نیز که شرایط جنگ را بهترین زمینه توافق کارگران با سرمایه‌داران یافته بود با تکامل به سویال شوونیسم تمامی کوشش سیاسی - عملی خود را در جهت تابع ساختن سرنوشت کارگران به سرمایه‌داران خودی سوق داد. موقتا مبارزات کارگران فروکش کرد. از سوی دیگر با شروع جنگ، آباران و اهوازیکسی از مهم‌ترین کانونهای مجتمع پرولتاریای صنعتی به صحنه اصلی جنگ دو

دولت ایران و عراق تبدیل گشت. پالایشگاه آبادان در اثر بمباران از کار افتاد. تمام مراکز و پروژه‌های صنعتی یا بحال تعلیق در آمد و یا کاملاً متوقف شد. کارگران شاغل این ناحیه تماماً به خیل بیکاران و آوارگان جنگی پیوستند. از سوی دیگر طبقه کارگر یکی از منابع تأمین کننده سرمایه در این جنگ ارتجاعی بود و تعدادی از کارگران در این رابطه جان خود را از دست دادند. از این زوایا طبقه کارگر بیشترین صدمات را در اولین روزهای جنگ متحمل شد. در چنین شرایطی رژیم جمهوری اسلامی به بهانه جنگ از یک سو کوشش برای محدود ساختن حقوق صنفی کارگران را فزونی بخشید و از سوی دیگر قدم به قدم با توسل به شیوه‌های سرکوبگرانه جو اختناق و ضد دموکراتیک را در کارخانجات وسعت داد. سلسله مراتب مدیریت و بخشنامه‌های وزارتی آئین نامه‌های انضباطی بر کرده کارگران فرود می‌آمد. رژیم از کارگران میخواست که این وضع را به دلیل شرایط ویژه جنگ تحمل کنند. هر چند دفاع طلبی توده‌ها که شرعاً فریب بورژوازی و فقدان آگاهی پرولتاریای جو-ان و کم تجربه‌ای است که هنوز تبلیغات سرمایه‌داری براحقی شور میهن پرستی را در آنان برمی‌انگیزد اما واقعیت سر سخت مبارزه طبقاتی، کارگران را قدم به قدم در مقابل حاکمیت قرار می‌داد. مبارزات پراکنده در اشکال متنوعی، از اعتراضات فردی گرفته تا اعتصاب در اواخر مهرماه شکل گرفت و حول خواسته‌های اقتصادی و مطالبات دموکراتیک جریان یافت. در این مقطع که از اوایل مهر تا نیمه

آبانماه بطول می انجامد خواستهای عمده کارگران جلوگیری از اخراج، افزایش دستمزد (سود ویژه پاداش تولید و...) و اعتراض پراکنده علیه آئین نامه های انضباطی و جو خفقان حاکم بر کارخانجات بوده است.

مبارزه کارگران در گروه صنعتی کفتر ملی با اعتصاب کارگران یو- نایتد برای دریافت پاداش تولید آغاز میشود که به پیروزی کارگران می- انجامد. کارگران استاندارد در مقابل احجافات فرضها و مدیران دولتی و کنترل قسمتها را در دست میگیرند. کارگران کارخانه عالی نسب برای دریافت سود ویژه دست به اعتصاب و کم کاری می زنند که به نتیجه نمی رسد. تحصن کارگران ایران یاسا در رشت علیه اخراج يك کارگر پیشرو پس از سه روز به پیروزی منجر میگردد. کارگران ورزیده کارو توشییا در رشت نیز علیه اخراج و تفتیش عقاید به مبارزه می پردازند در سیمان درود کارگران برای دریافت سود ویژه و مخالفت با بازگشت يك مهندس ضد کارگر دست به اعتصاب و تشکیل مجمع عمومی میزنند که در این مبارزه پیروز میشوند.

مبارزات کارگران مجددا گسترش می یابند:

هر چه بیشتر دامنه فلاکت ناشی از جنگ آشکارتر میشد بارگرانی و کمبود مایحتاج اولیه زندگی بر دوش کارگران سنگینی می کرد، فقر توده وسیع کارگران فزونی میگرفت. جنگ موج وسیع بیکاری، اخراج و

تعطیل کارخانه‌ها را شدت بخشید .

کارگران شاغل نیز تحت این شرایط اعتماد خود را به تأمین حداقل معیشت خود در آینده از دست میداد . ارکانهای سرکوب حاکمیت هر روز یورش به شوراهای انقلابی را شدت می بخشید . مدیریت آن لیبرال ، مکتبی و انجمن اسلامی هر کدام به شیوه مخصوص خود دست اندر کار توطئه و سرکوب بر علیه نمایندگان واقعی کارگران بودند . هر گونه اعتراض و مبارزه کارگران بر علیه زورگوییهای سرمایه‌داران و مدعیان دولتی سرکوب میشد وضع اقتصادی دپدم وخیم تر می گشت . بار باریای اقتصادی و بحران بر دوش کارگران می افتاد . کارگران در تجربه بیات روزمره خویش در می یافتند که دولت بر حسب منافع طبقاتی‌ش نمی‌خواهد بار جنگ را بر دوش سرمایه‌داران قرار دهد . جنگ حاصلی جز فقر و گران ، آوارگی و بیکاری برای کارگران و زحمتکشان نداشت . کارگران بر حسب واقعیات طمع و تجربیات زندگی خود به ماهیت وعده وعیدهای دروغین رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از صیبن می میگردند و از این زاویه جنگ آموزشهای بسیاری را برای طبقه کارگر به ارمغان آورد . مبارزات کارگران علیه اوضاع فلاکت‌بار از نیمه دوم آبان با وسعت بیشتری آغاز شد . و کارگران برای بهبود شرایط زندگی خود دست به عمل انقلابی میزدند ، جنگ کم کم به فراموشی سپرده میشد و از میزان شور صیبن پرستی شورونیستی کاسته میگردد .

در تهران کارگران کارخانجات دخانیات ، کانادادرای ، گروه صنعتی

بهشهر و کارخانجات مقدم برای دریافت سود ویژه با جلوگیری از خروج تولید به پیروزی دست می‌یابند . کارگران مبارز دখانیات به مدت یکماه مانع خروج تولید گشتند . مبارزه کارگران کانادادرای به درگیری با پاسداران و شهادت یک کارگر انجامید . در کارخانجات مسلسل سازی اعتصاب کارگران علیه کاهشی حقوق خویش با عقب نشینی مدیران دولتی به پیروزی می‌انجامد . مقابله و رویارویی با مدیران دولتی در گروه صنعتی گش ملی دائر بر توطئه تعطیل کارخانجات و سوء استفاده مالی به تشکیل کمیسیون تحقیق در واحد استاندارد می‌انجامد و کارگران واحد سرآسیب جهت اعتراض به افزایش حقوق مدیران دست به اعتصاب می‌زنند و پیروز می‌شوند . مبارزه علیه سوء استفاده مالی در کارخانجات ایران ناسیونال، جنرال موتورز و جیت تهران جریان می‌یابد در کارخانه فیلیپس به منظور اخراج مدیر عامل توسط کارگران راهپیمایی اعتراضی صورت می‌گیرد . در اصفهان کارگران سیمان سپاهان و نساجی تاج با اعتصاب و راهپیمایی حول کاهش دستمزد (مزایا و سود ویژه) به مبارزه بر می‌خیزند در صنایع فولاد و گسترش مسکن اصفهان برای دریافت حقوق عقب افتاده کارگران به گروه‌بانی و اعتصاب دست می‌زنند . کارگران شرکت واحد اصفهان در اعتراض به اخراج نماینده خود اعتصاب نمودند . کارگران پتروشیمی و ناسیونال اصفهان نیز برای خواست‌های اقتصادی به مبارزه بر می‌خیزند . در گیلان در کارخانجات توشیبا و ایران کف در اعتراض به

اخراج نماینده کارگران اعتراض وسیعی صورت میگیرد. کارگران با تشکیل مجمع عمومی و دستزدها به کم کاری مبارزه را ادامه میدهند. در کارخانه پوشتر و ورزیده کار اعتراض وسیع کارگران علیه جو اختناق اوج میگیرد.

در قزوین موج مبارزه رشد می کند و حادثه می شود. مبارزه کارگران ری-اوه-واک-نیتینگ و شیر و جهت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به اعتصاب و جلوگیری از خروج تولید می انجامد که به نتیجه نمی رسد. در رپسندگی آذربایجان مبارزه بر سر دریافت سود ویژه به اخراج ۳ تن از کارگران منجر میشود. مبارزه کارگران فرنخ برای تشکیل شورای انقلابی به پیروزی میرسد.

کارگران مبارز سیما صوفیان و کبریتسازی توکی در تبریز برای بازگرداندن اخراجیها با جمع آوری طومار و اشکال دیگر اعتراض می کنند.

در اراک در ماشین سازی و چپچال و ایرالکوب علیه ائین نامه های انضباطی و مدیران ضد کارگر و بر علیه اخراج کارگران پیشرو و نمایندگان واقعی کارگران اعتراض گسترده ای صورت میگیرد.

در همین دوره نطفه های نارضایتی از جنگ خود را بشکل مخالفت با پرداخت یکروز حقوق ماهانه به بهانه کمک به جنگ زدگان منعکس می نماید. مبارزات کارگران در این ماهها در مقابل سرکوب شوراها و انقلابی که از کانال مدیران دولتی و انجمن اسلامی با

همکاری گسترده سپاه پاسداران عظمی میگشت، مقاومت شایان توجه کارگران را بر وی انگیزت. اتحاد عظمی مدیران دولتی با انجمن اسلامی در سرلوب مبارزات کارگران و عزل و اخراج نمایندگان واقعی ماهیت ضد کارگری انجمن ها را نزد کارگران آشکار می ساخت. انجمن ها در این دوره تفتیش عقاید و جاسوسی را بشک گسترده ای پیش می برند. حس نفرت و مقابلهجویی با این ارگان در کارگران رشد می یافت. از سوی دیگر سیاست بی محتوا کردن شوراهای با ایجاد شوراهای فرمایشی توسط گردانندگان انجمن اسلامی که اغلب در موقع انتخابات بوسیله پاسداران سرمایه و کینه چینی ها انجام می گرفت با روبروشی یکپارچه و متحدانه کارگران مواجه می شد. مبارزات کارگران ارج در همین رابطه یکی از نمونه های برجسته در این ماههاست. سیاست اپورتونیزم راست در این دوره که ملو از دل بستگی مفرط به رفرمهای جزئی بوده و حق حیات را به اندکی نان بخور و نمیر فروخته بود با اتحاد سیاسی - عظمی هواداران نا آگاهتر در کارخانه ها با انجمن اسلامی به بورژوازی کمک نمود تا بتواند شوراهای انقلابی و کارگران پیشرو را سرلوب کند و سیاستهای بی محتوا و زرد کردن شوراهای را شدت بخشد و از سوی دیگر به تشویق کارگران از جهت اعزام به جبهه می پرداخت تا بتواند هر چه بیشتر کارگران را قربانی این جنگ ارتجاعی بنماید.

در اواخر این دوره جنگ بصورت امری فرعی برای کارگران در

می آید .

اما در يك مقطع کوتاه زمانی بورژوازی عوام‌فریبانه و با بسوق و کرنا از پیروزی در جنگ ارتجاعی سخن می‌راند کارگران نیز تمام توجهشان بدان سمت جلب شد . ولی اینبار زاویه دید کارگران تنها رضایت از پایان جنگ و قطع آن بود . اگر مبارزات کارگران را در این دوره جمع‌بندی کنیم می‌توانیم بگوئیم:

محور خواستهای اقتصادی کارگران در ایندوره افزایش دستمزد از کالـ نال سود ویژه و عمدتاً طرح طبقه‌بندی مشاغل می‌باشد . همچنین مقابله با تغییر و افزایش ساعت کار جنبه‌ای دیگر از مبارزات کارگران را تشکیل می‌دهد .

اما مطالبات دمکراتیک کارگران عمدتاً در حمایت از کارگران پینبـ رو اخراجی و مبارزه بر علیه جو اختناق و تفتیش عقاید و نیز اعتراض به آئین‌نامه‌ها و غیره خلاصه میشود .

شکل عمده مبارزات کارگران در ایندوره اعتصاب است . که در کنار آن اشکال دیگری چون جلوگیری از خروج تولید و راهپیمایی نیز مشاهده می‌شود .

اوجیابی و گسترش مبارزات کارگران:

مبارزات کارگران در مقاطع بهمن و اسفند در سیر تکامل خود از مرحله خواستهای پراکنده اقتصادی فراتر رفته و مبارزه جهت دریافت سود ویژه، عیدی، پاداش در اغلب کارخانجات بگونه‌ای خودبخودی و پراکنده اما با تواتر افزایش‌یابنده‌ای شدت گرفت.

ولی فقدان اتحاد سراسری هنوز امکان مبارزه متحدانه و سازمان یافته طبقه کارگر را فراهم نیاورده است. کارگران در این مبارزات که بطور روزافزونی رشد می‌یافت و حادثه می‌شد بتدریج در می‌یابند که تنها راه بهبود شرایط آنها و حصول آزادی‌شان اقدام به مبارزه علیه طبقه سرمایه‌دار و دولتشان است. تجربه جنگ همانند هر تجربه دیگر اگرچه در ابتدا چرخش ناگهانی در مبارزاتشان بوجود آورد، و باعث توهم توده بیشماری از کارگران گردید. اما تجربیات روزمره و فشار ناشی از بحران اقتصادی بتدریج آنان را آیدیده می‌ساخت.

نکته برجسته جنبش کارگری در این دوره مبارزات کارگران مناطق جنگ زده است که بعد از یک افت کوتاه مدت دوباره اوج گرفت.

مبارزه نفتگران جنگ زده جنوب، نظاهرات کارگران ترمینار و بندر خرمشهر و مبارزات کارگران سازمان آب و شرکت شناوه، کارخانه قند و شکر، شرکت دی و صنایع فولاد، گت صنعت گرمیو بهره‌برداری شرکت نفت اهواز اغلب حول دریافت حقوق عقب افتاده و اخراج بی رویه

کارگران سازمان یافت حمایت شورای سراسری نفت از مبارزات آنها نشانه حس اتحاد و همبستگی کارگران بود. مبارزات نفتگران پالایشگاه اصفهان علیه اقدامات خودسرانه مدیریت از جمله لغو سیستم نوبت کاری که بدست توانای نفتگران قهرمان پس از قیام خونین خلق بر پا شده بود شدت گرفت. نمایندگان شوراهای سراسری پالایشگاهها خواستار تصفیه انقلابی رئیس فعلی پالایشگاه اصفهان و تصفیه عناصر سرسپرده رژیم سابق در شرکت نفت شدند. آنها با طرح اقدام مستقیم خویش در جهت اعمال اراده خود به رژیم هشدار دادند.

در کارخانجات ماشین سازی، تراکتور سازی، کبوتر، لیفت تراک در تبریز حول سود ویژه و جهت بازگرداندن کارگران اخراجی مبارزه شکل میگیرد. در کارخانجات قزوین مبارزات کارگران برای دریافت سود ویژه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از یکسو و مطالبات دمکراتیک از سوی دیگر، وسعت گرفت. از جمله در کارخانجات تیزرو، نیتینگ، قرقره زیبا، فرنخ، ریسندهی آذربایجان و تپه این مبارزه جریان داشت. کارگران در اغلب این مبارزات به اشکالی چون اعتصاب، تحصن و جلوگیری از خروج تولید در مقابل سرمایه داران و دولت حامی آنها قرار می گرفتند.

در گیلان مبارزات کارگران فرش، پوشش، ورزشی، کاره ایران الکتریک حول سود ویژه و علیه اخراج شدت یافت. در کارخانه ایران الکتریک

کارگران برای دریافت سود ویژه دوازده روز دست به اعتصاب زدند و مدتی
ان کارخانه را به عقب نشینی واداشتند. در دیگر کارخانجات نیز
اعتراض و مبارزه برای سود ویژه وسیعاً جریان داشت و کارگران غالباً
در این مبارزات پیروز می‌شوند. در تهران مبارزات گسترده‌ای حول
سود ویژه در کارخانجات شکل گرفت. اعتصابات گسترده در اغلب کار-
خانجات جریان داشت که در مقایسه با سال گذشته بی‌سابقه بود.
کارگران با اشکال متنوعی مبارزاتشان را پیش می‌بردند. در برخی از
کارخانجات با جلوگیری از خروج تولید توانستند به پیروزی برسند.
اعتصابات گسترده در کارخانجات پارس الکتریک، لندرو، سایپا، پارس متال-
ل، جم تولی پرس، تولید دارو، کارخانجات زاگرس، فرش پارس گوشه‌هایی
از مبارزات طبقه کارگر ایران است. در کارخانجات پارس الکتریک
اعتصابات شش روزه کارگران، مدیران را به عقب نشینی واداشت. کارگران
موفق شدند بخشی از سود ویژه را بگیرند. در کارخانجات سایپا
کارگران با وجود اعتصاب دو روزه و کم کاری موفقیتی نداشتند. در
کارخانه پارس متال کارگران در دو نوبت به اعتصاب زده و به پیروزی
رسیدند. در لندرو اعتصاب کارگران به پیروزی انجامید. اعتصاب
کارگران جم موفقیتی نداشت و بالاخره کارگران مبارز تولی پرس بعد از
یک هفته جلوگیری از خروج تولید، اعتصاب دو هفته‌ای را آغاز می‌کنند
که با پیروزی پایان می‌رسد.

در کارخانجات ترانس پیک، باطری سازی، فیلور پلاستی ران کارگران

با جلوگیری از خروج تولید با موفقیت به بخشی با تمام سود ویژه دست می‌یابند. کارگران فیروز در یک مبارزه طولانی پیگیریشان را به نحایت می‌گذارند.

مبارزات کارگران در گروه صنعتی زامیاده ایران ترانسفورماتورها، ارج و بنتزخاور، جنرال موتورز، توانیر برق، چیت تهران و شهرک اکباتان با اشکال متنوعی از اعتراضات جمعی تا تشکیل مجمع عمومی، از کم کاری تا تهدید به اعتصاب بسط می‌یابد در این کارخانجات کارگران موفق می‌شوند دو ماه دیگر سود ویژه را دریافت دارند.

در کارخانجات سیمان، بوتان کارگران با هدایت شورا موفق میشوند سود ویژه را از چنگ دولت سرمایه‌داران در آورند آنها علیه اخراج مبارزه پیروزندانه‌ای را پیش می‌برند.

نمونه‌های برجسته مبارزات کارگران در این مقطع، مبارزات کارگران شرکت واحد است که برای دریافت عیدی و پاداش به اعتصاب انجامید. رژیم جمهوری اسلامی این اعتصاب را بنحو رذیله‌ای در هم شکست. اعتصابات گسترده‌ای نیز در گروه صنعتی کفش ملی که در واحدهای تاف - یونایتده، گابوره، درخشان و هوفمن شکل گرفت که در اواخر اسفند به تظاهرات چند هزار نفری کارگران در - کارخانه منتج شده و سر انجام در نیمه شب بوسیله پاسداران سرمایه درهم شکسته شد.

مبارزات کارگران شرکت واحد و کفش ملی که موفق به کسب حمایت توده‌های کارگر و زحمتکشان گردید تجلی بارزی از رشد روزافزون

جنبه کارگری در این مرحله است. در ایندوره نقر سراب انجمنهای اسلامی در مبارزات کارگران بسیار برجسته است. انجمنها علاوه بر این، در ایندوره بر سر کسب قدرت با مدیران لیبرال کارخانجات به شدت درگیر میشوند. ضمن آنکه اتحاد عمل استوار خود را با آنها برای درهم شکستن مبارزات کارگران، اخراج کارگران پیشرو و انقلابی، تشدید جو ضد دموکراتیک در کارخانجات حفظ کردند، اما تضاد انجمن اسلامی با مدیران لیبرال که انعکاس تضاد و درگیری های شدید دو جناح ضد انقلابی حاکم، در کارخانجات است، در برخی از کارخانجات به تعویق مدیران لیبرال و جایگزینی مدیران مثنی درون کارخانجات منتج گشت. گروه صنعتی کفر ملی نمونه ای از این نوع است. در همین راستا شوراهای انقلابی در کارخانجات در روند مبارزه به نظارت و دخالت کارگری در امور کارخانه شدت بیشتری میبخشد شورای گروه صنعتی کفر ملی شورای شرکت صنعتی توفان، بوتان نمونه های از مبارزات این شوراهاست. رشد مبارزات کارگران در ایندوره نیاز به سازمانیابی و تشکل را در کارگران تقویت می کند. بهین جهت است که مبارزه بر سر سود ویژه به مبارزه در جهت ایجاد شوراهای انقلابی منجر می شود. مبارزات کارگران پارس الکتریک، سایپا، اسکویب، داروین، باطری سازی، در زمره اینگونه مبارزات است.

با قاطعیت می توان گفت جنگ در ایندوره در میان کارگران به فراموشی سپرده شده است. انعکاس تضادهای درون حاکمیت بیشتر

از هر دوره دیگر در کارخانه‌ها مورد بحث کارگران است. تنفر از حزب جمهوری اسلامی بیش از هر زمان کارگران را در بر میگیرد. نحوه برخورد بنی‌صدر به حزب جمهوری اسلامی سبب افزایش یا کاهش توهم کارگران نسبت به وی میگردد. ضمن آنکه کارگران بیشتری توهم را نسبت به او در میان سایر دولتمردان دارند به حرات میتوان گفت بیش از هر زمان شعار و رهنمودهای کارگران پیشرو در میان توده کارگران از جمله سودویژه و کمیسیون تحقیق و... مادیت یافته و بکار گرفته میشود. گرایش به سمت نیروهای انقلابی همچنان رشد مییابد.

اپورتونیزم در ایندوره بمنظور خدمت به بورژوازی می‌کوشد بر نا رضایتی توده‌ها سرپوش نهد. در واقع به گونه ترمزی در مقابل عمل مستقیم پرولتاریا می‌باشد آنچه در ایندوره برجسته بنظر میرسد اینستکه مبارزات خودبخودی کارگران حتی از دامنه فعالیت شوراهای انقلابی که بدلیل فقدان اتحاد شوراها از قدرت چشمگیری برخوردار نیستند نیز فراتر می‌رود. در این مبارزات روح جنگنده، اشتیاق و نظم پرولتری در توده‌های کارگر افزایش می‌یابد. در برخی موارد آنها قطعی‌ترین و عمده‌ترین خواست خود را با انتخاب بهترین موقع مبارزه و مقاومت با شور و شوق به پیش می‌برند. تداوم اعتصابات و افزایش مدت زمان مبارزه از ویژگی‌های مبارزات ایندوره است در این مبارزات کارگران بیش از پیش به درک آگاهانه ایس

مطلب می‌رسند که تضادی آشقی ناپذیر بین منافع آنان و تمامی
طبقه سرمایه‌دار و دولتشان وجود دارد .

خلاصه کنیم: عمومی‌ترین خواست کارگران در این مقطع سودویژه،
عیدی و پاداش و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل است. از سوی دیگر
انتخابات مجدد شعراء تشکیل شعرا و جلوگیری از اخراج مبارزه علیه جو
خفقان و سرکوب جنبه دیگر مبارزات کارگران می‌باشد. شک عمده مبارز
رزه در این مقطع نیز اعتصاب است که با شرکت فعالانه توده کارگران
شکل می‌گیرد. کارگران بعیزان زیادی نسبت به گذشته تاکتیک جلوگیری
از خروج تولید را بکار می‌گیرند. در این دوره سرکوب مستقیم پاسداران
بیشتر از هر دوره‌ای در پاسخ به خواستهای کارگران بیشتر می‌شود.
و بهمین دلیل مقابله جوی و مبارزه علیه ارگانهای سرکوب شدت می‌یابد.

تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته

فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر:

هر چند بررسی عمومی جنبش کارگری در کلیت خویش مبارزات فزاینده پرولتاریای ایران را نشان می‌دهد اما بدون شك بخش‌هایی از طبقه کارگر در این دوره از تحرك مبارزاتی بیشتری نسبت به سایر بخشها برخوردار بوده است. در يك بازنگری کلی میتوان گفت که تحولات سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی هم سهم و تاثیر بسزایی در مبارزات طبقه کارگر دارد. از جمله در مقاطعی نظیر سفارت و جنگ میتوان این تاثیر را در افت و یا تغییر حرکت نیروهای طبقه مشاهده کرد. در دوره گذشته وقوع جنگ ناعادلانه بین دولتهای ایران و عراق بیشترین تاثیر را بر مبارزات کارگران به جای گذاشت. از سویی افت سنگین اما کوتاه مدتی بر حرکت کل طبقه کارگر بوجود آورد و از تحرك مبارزاتی کارگران بشدت کاست. و از سوی دیگر از کار افتادن بخش عمده‌ای از صنایع کشور در منطقه جنوب که یکی از قطبهای مهم صنعتی است، بر حرکت بخشی از طبقه کارگر صیمنان اثرات مهمی به جای گذاشت. بدین ترتیب که حرکت مبارزاتی پرولتاریای جنوب که از پتانسیل مبارزاتی بالایی برخوردار است ابتدا افت نموده و سپس همراه با خیل زحمتکشان آواره مناطق جنگی عمدتاً " برای تحقق " بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تغییر

همچنین وجود بحران شدید اقتصادی که به در هم ریختگی صنایع کشور منجر شده، روند تولید را در بخشهایی از صنایع به دلیل کمبود مواد اولیه، تکنولوژی، سوخت و ... که خود نتیجه ساخت وابسته صنایع ایران است - متوقف و یا بشدت کاهش داده است. در بخشی از صنایع دولتی توقف و یا کاهش تولید بیشتر از سایر بخشها وجود داشته است. این امر بعلاوه وجود ارتش عظیم ذخیره صنعتی یا حیل بیکاران که ناشی از توقف ماندن پروژه‌های صنعتی و ساختاری، گشت و صنعت‌ها و ... میباشد، خطر بیکاری را در این بخش از صنایع بسیار محتمل می‌نماید. بهین دلیل تریب داعی از دست دادن کار و مواجهه با فقر و گرسنگی عامل بازدارنده‌ای در تحرك مبارزاتی این بخش از کارگران محسوب میگردد. چنین وضعی را میتوان در قسمتی از صنایع ماشین‌سازی از جمله در کارخانجات جنرال موتورز گروه صنعتی سایپا، بنزخاور و ... مشاهده کرد.

بعکس در بخشهایی از صنایع دولتی که نقد حاتی و استراتژیک دارا هستند، دولت در برابر مبارزات کارگران خیلی سریعتر از صنایع دیگر عقب نشینی داشته است. این امر را میتوان در نفت، صنایع دفاع و یا ... بعینه دید. بدینترتیب دولت سعی داشته بوسیله امتیازات و انعام رفهمبایی سطحی مانع تحرك مبارزاتی کارگران این بخش و اعتلاء مبارزاتشان گردد.

در بخش صنایع خصوصی بجزرات میتوان گفت که در صد تولید
بدلیل وجود تقاضا برای کالاهای این بخش و بازار فروش یا در سطح
گذشته باقی مانده و یا حتی سیر افزایش یابنده داشته است. در این
رابطه کارگران این بخش از تحرك مبارزاتی بالاتری برخوردار بوده‌اند
لیکن سوددهی بالای این بخش عقب نشینی سرمایه‌داران را در برابر
مبارزات کارگران سبب گشته است. از جمله در کارخانجاتی چون فیروز،
بوتان پلاستی ران، درخشان پیمان اصفهان، پرنیت و... این وضع
شاهده میشود.

علاوه بر این عوامل عینی، فاکتورهای ذهنی نیز مشخصاً در مبارزات
کارگران نقش داشته‌اند. از جمله میزان تجربه مبارزاتی، سنن مبارزاتی،
سطح آگاهی سیاسی - طبقاتی و نیز سطح تشکل کارگران، حضور یا عدم
حضور پیشروان و جریانهای سیاسی نقش موثری در مبارزات کارگران به
عهدہ دارد. در درون کارخانجات مختلف میتوان تاثیر این عوامل را
در اشکال مبارزات، پیگیری بودن، وجود تشکل و... بخوبی مشاهده
نمود. اما از این زاویه بررسی مبارزات سابقه کارگر ایران شامل ناموزون
مبارزه طبقاتی را در مناطق گوناگون صنعتی کشور نیز مشخص میسازد.
بدینترتیب در هر يك از مناطق صنعتی بنا به قدمت وجود کارخانجات
در آنجا، تعداد کارگران و رابطه و نزدیکی آنها با روستا و تاثیر
آن در ذهنیتشان، جوان و یا قدیمی بودن از لحاظ میزان تجربه
مبارزاتی، نوع تولید و تکنولوژی به کار گرفته شده و... مبارزات کارگران

از پتانسیل و توانمندی متفاوتی برخوردار است. مثلاً بطور عادی مبارزات کارگران در مناطقی جنوب کشور چون آبدان و اهواز و سپس در تهران یا تبریز از تواتر افزایش یابندهای برخوردار است، که در پی آن مبارزات کارگران سایر مناطقی چون گیلان، قزوین و غیره قرار میگیرد.

ذهنیت حاکم بر طبقه کارگر:

تنها نگاهی گذرا به وضعیت جنبه طبقه کارگر، سطح آن، اشکال مبارزه، تعقیق مبارزات و... خود به روشنترین وجه ذهنیت طبقه کارگر را نشان میدهد. در واقع این نگاه گذرا بروشنی نشان میدهد که پرولتاریا از قیام تا کنون با سیری فزاینده از حاکمیت در مجموع فاصله گرفته و تا حد زیادی از بند توهمات رها گشته است. مجموعه تحولات سریع سیاسی اجتماعی در این دوران، کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، مبارزات گسترده پرولتاریا و تجارب ناشی از آن، فعالیت وسیع نیروهای انقلابی و کمونیست بمطابقه عواملی موثر در تحول ذهنیت طبقه نقش داشته‌اند.

اما آنچه که در رابطه با تحول ذهنیت طبقه کارگر در یکسال گذشته بهینه دیده میشود، تسریع این پروسه بطورزی بسیار چشمگیر و پی بردن به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بوده است آزادی جاسوسان آمریکائی و روشن شدن نتایج مبارزه با اصطلاح ضد امپریالیستی در عطف، بکار افتادن مجلس و شکل گیری از راهی حکومتی که سران رژیم از

ابتدا بهبود شرایط را بدان موقوف میگرداند و وقوع جنگ و ظاهر شدن نتایج فلاکت بار آن، سرلوب گسترده توده‌ها از سوی رژیم، رشد جنبش توده‌ای در نقاط مختلف کشور و ... همه و همه در این تحول سهم داشته‌اند. بدینسان میتوان بجزایر ادعا کرد که جز در مقاطعی کوتاه مدت نظیر واقعه طبرستان و یا جنگ توده کارگران در مجموع به فاصله‌شان با حاکمیت در ذهنشان افزوده‌اند.

اما بی شک این امر در مورد جناحهای مختلف حکومت به یکسان صدق ندارد. جناح حزب جمهوری اسلامی بنا به نقش فائده‌اش در ارکانهای سیاسی حاکمیت و عملکردهای ارتجاعی آن از به اصطلاح انقلابات فرهنگی در جامعه و کارخانجات، ناتوانی در سازمان دادن امور اقتصادی و سیاسی و سرلوب لجام گسیخته توده‌ها، تا برآهاندزی فالتوها باند‌های سیاه، بعلاوه نقش ضد دملراتیک و ضد کارگری انجمنهای اسلامی وابسته بدان در کارخانجات و افشادگی انقلابیون و غیره ... و در نهایت بشکل فرعی تبلیغات لیبرالها علیه آن بیشتر از همه مورد تنفر توده‌ها قرار گرفته است.

بخشی از لیبرالها منحنه بازرگان با توجه به تجربه عطفی توده‌ها و اساساً عملکرد آنها در ذهنیت طبقه جانی ندارند، اما توده کارگران به جوهر طبقاتی لیبرالیسم هنوز آگاهی نیافته‌اند. چرا که زمانی در مقابل بنی‌صدر و شعار "شورا بی شورا" وی قرار میگیرند، اما بسا اوحکیری تضادهای حالیت و اتخاذ موضع اپوزیسیون از سوی وی به

خصوصاً پس از ۱۷ شهریور توهم کارگران را بر می انگیزد. این جریان پس از جنگ نیز با افت و خیزهایی همچنان ادامه یافته و پس از جریان ۱۴ اسفند به بالاترین حد خود رسید. البته مصدک‌گیری پاره‌ای از نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین در این امر بی تأثیر نبوده است.

اما ذکر دو نکته در اینجا لازم است نخست اینکه توده کارگران زمانی خود را به بنی‌صدر نزدیک می‌بیند که وی به تهاجم علیه حزب برخیزد و طی سازشهای او شدیداً او را به زیر سؤال می‌کنند. و دیگر اینکه بسیاری از کارگران در مقابل حزب از بنی‌صدر دفاع می‌نمایند ولی امدی به بهبودی وضعیتشان بوسیله وی هم ندارند، و در واقع فقدان یک آلترناتیو انقلابی و قدرتمند آنها را به آنسو میکشاند. اما آنچه که یکسال گذشته در ذهنیت طبقه کارگر و در حرکات او بویژه جسطکیر بوده است، رشد و تکامل دمکراتیسم در میان پرولتاریا میباشد. در مقطع اردیبهشت ۵۹ اگر سرکوب دانشجویان انقلابی و سازمانهای دمکراتیک مورد مخالفت جدی توده کارگران قرار نمی‌گیرد، اما بتدریج با گسترده‌تر شدن دامنه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و بسر ملا شدن نیت اصلی آن حمایت ضمنی و گاه حمایت مستقیم و آشکارا از حرکات انقلابی دانشجویان در میان طبقه نمودار میگردد، مخالفت جدی توده کارگران با اقدامات رژیم دمکراتیک انحصاری اسلامی در کارخانجات و مبارزه آنها برای سرور دمکراتیک در کارخانه‌ها خود

جلوهای دیگر از این امر است. همچنین حمایت توده‌ها از جنبش‌ها و جنبشهای توده‌ای و شرکتشان در آنها در نقاط مختلف کشور، مخالفت جدی با سرکوب، چاق‌داری، بازتاب وسیع مسئله شکنجه زندانیان سیاسی - انقلابی در میان توده کارگران حمایت آنها از - زحمتکشان خارج محدوده و تنفرشان از سرکوب آنها در تهران - و تبریز و ... خود بیداری طبقه و مبارزه‌اش برای دگرگونی را گواهی میدهد.

از طرف دیگر در این دوره از مبارزات با نطفه‌نگر کارگران، به خود بحثابه یک طبقه مواحه میگردیم بازتاب و انعکاس سریع و وسیع مبارزات و اعتصاب کارگران یک کارخانه در منطقه و در کل طبقه و حمایت و پشتیبانی از این مبارزات از سوی توده کارگران خود نشانگر این امر است. در دوره پس از جنگ بازتاب وسیع سرکوب کارگران شرکت واحد و کشتن ملی در میان طبقه و اظهار حمایت و همدردی نمونه‌هایی از این مورد است.

در یکسال گذشته حمایت توده کارگران از حرکت سازمانهای انقلابی و مبارزات انقلابی بیش از گذشته بچشم میخورد. بدین ترتیب بجزرات میتوان گفت که گرایش به سمت نیروهای انقلابی و کمونیست از سوی توده کارگران سیر صعودی داشته، رهنمودهای کمونیستها در مورد مبارزات کارگران در کارخانه‌ها از سوی آنها بکار گرفته شده کارگران پیشرو در مبارزات نقش عمده تری پیدا نموده‌اند. بطور خلاصه

پروسه تحول و تکامل ذهنی کارگران از "عقب مانده" به "میانی" و سپس به "پیشرو" از شکوفائی برخوردار بوده است.

بدینسان طبقه کارگر با تکامل ذهنی و آگاهی خویش در سال گذشته استوارتر و مبارزه با سرمایه‌داران برمی‌خیزد. اما خطاست هر آن فکر کنیم که طبقه کارگر بطور خودبخودی میتواند خود را از قید ایدئولوژی بورژوائی رها سازد. تنها تلاش پیگیر و همه جانبه نیروهای کونیست در پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبه خودپوی پرولتاریا میتواند این امر را به انجام رساند. چرا که بقول لنین "اغلب گفته میشود که طبقه کارگر بطور خودبخودی بجانب سوسیالیسم میرود این نکته بدان مفهوم حقیقت دارد که نظریه سوسیالیسم علی تیره روزی طبقه کارگر را ژرفتر و درستتر از هر نظریه دیگری آشکار ساخته و از اینروست که کارگران به سهولت قادر به جذب آن هستند اما بشرط اینکه این نظریه دستخورد خودبخودی نگردد بشرط اینکه خودبخودی را تابع خود سازد. این درست است که طبقه کارگر بطور خودبخودی بجانب سوسیالیسم کشیده میشود، با اینهمه ایدئولوژی بورژوائی کسبه بیشتر از همه متداول شده‌است و همواره در شکلهای بسیار گوناگون تجدید زندگی میکند) بطور خودبخودی و بدرجات بیشتر خود را بر طبقه کارگر تحمیل مینماید."

يك جمعبندي گلی

بدینسان در يك جمعبندي گلی میتوان گفت که جنبش خودبخودی طبقه کارگر میهنمان در یکسال گذشته در مجموع تکامل یافته است. این جنبش با ارتقاء آگاهی خواستها، تجارب اشکال مبارزاتی، قدرتمندتر از پیش وارد میدان مبارزات میگردد. در اینجا لازم است در مورد "خودبخودی" بودن جنبش نیز توضیح مختصری بدهیم. اطلاق لفظ "خودبخودی" بر جنبش کارگری در حال جریان برای مجزا نمودن آن از مبارزه طبقاتی آگاهانه پرولتاریا میباشد. بدلیل سطح نازل مبارزه آگاهانه کارگران که ناشی از عدم پیوند کافی بین سوسیالیسم و جنبش کارگری است در واقع جنبش کارگری "خودبخودی" میباشد. لنین در توضیح این امر متذکر میشود که: "ما پیوسته نیاز فزایندهای برای پیوند سوسیالیسم به جنبش طبقه کارگر در يك جنبش واحد سوسیالیست دمکراتیک مشاهده میکنیم. زمانی که این پیوند بوقوع پیوندد مبارزه — طبقاتی کارگران شک مبارزه آگاهانه پرولتاریا را برای رهائی از استثمار طبقات مالک بخود میگیرد، و به شکل عالیتوی از جنبش سوسیالیستی کارگران — حزب مستقل سوسیالیست دمکراتیک طبقه کارگر تکامل مییابد."

اما اینکه ما جنبش کارگری را در سال گذشته خودبخودی مینامیم به هیچ وجه بدین مفهوم نیست که این جنبش با سال قبل از آن و قبل از قیام تفاوتی ندارد. لنین در توضیح این مفهوم و در مقایسه